

انتظار و حکومت اسلامی در عصر غیبت  
از نگاه امام خمینی (ره)

غلام رسول محسنی اُرزگانی

|    |                                      |
|----|--------------------------------------|
| ۱  | چکیده مقاله                          |
| ۲  | مقدمه                                |
| ۲  | ضرورت و اهمیت بحث                    |
| ۲  | بیان مسأله:                          |
| ۳  | امام و مفهوم انتظار                  |
| ۵  | انتظار و برداشتها                    |
| ۷  | امام(ره) و نقد برداشتها              |
| ۹  | ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت |
| ۱۳ | دلیل حکومت در عصر غیبت               |
| ۱۳ | ۱. دلیل امامت                        |
| ۱۴ | ۲. ضرورت دفاع                        |
| ۱۴ | ۳. سیره عملی ائمه اطهار(ع)           |
| ۱۵ | نظریه بطلان حکومت اسلامی در عصر غیبت |
| ۱۵ | نقد امام(ره) در نظریه بطلان حکومت    |
| ۲۰ | منابع و پی نوشتها:                   |



## چکیده مقاله

این نوشتار بر آن است تا مفهوم انتظار و دولت اسلامی را در عصر غیبت از دیدگاه امام خمینی(ره) بررسی و تحقیق نموده و الگوی صحیح این اندیشه را ارائه نماید.

ابتدا به اصل مفهوم انتظار از دیدگاه امام راحل(ره) پرداخته شده و سپس برداشتها و اندیشه‌هایی که برخی از انتظار و مفهوم آن دارند اشاره می‌گردد. این گونه دیدگاهها از انتظار و برداشتهایی از آن، بر مبنای اندیشه امام یک نوع آسیبی در انتظار و برداشت ناصواب از آن تلقی شده است. با این وصف، در این بخش از تحقیق به نقد اینگونه برداشتها از نظر امام(ره) بیان گردیده شده، و مفهوم صحیح و الگوی کامل انتظار از این دیدگاه ارائه گردیده است.

وهمچنین، در محور دیگری از این تحقیق، مبنای تشکیل دولت اسلامی در عصر غیبت است. ابتدا به اصل ضرورت دولت، خصوصاً دولت و حکومت اسلامی در عصر غیبت، دلیل آن از دیدگاه و بیان امام راحل بررسی و تحقیق شده است. سپس بدنبال آن، بررسی دیدگاههایی است که حکومت اسلامی را در عصر غیبت باطل دانسته و آن را معارض با روایاتی می‌دانند که از دولت و تشکیل حکومت در عصر غیبت منع کرده است. حاکم آن را طاغوت و پرچم آن را پرچم ظالمانه معرفی کرده و آن را محکوم به شکست دانسته‌اند.

در این بُعد از تحقیق (محور دوم)، نخست تحلیل و توضیح مراد از احادیث در بیان امام اشاره شده و سپس به نقد آنها از دیدگاه امام(ره) پرداخته شده است. در پایان به عنوان حسن ختام به فرازهای کوتاهی از انتظار صحیح و حکومت اسلامی از سخنان ایشان اشاره گردیده است.

**واژگان کلیدی:** انتظار، فرهنگ انتظار، فرهنگ قدرت اسلامی، تحقق وعده الهی، تحقق صالحان در روی زمین، دولت اسلامی، ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت، حکومت و عقل، حکومت و شرع، بطلان حکومت، پرچم طاغوت،

این تحقیق به طور مشخص در پی ارائه دیدگاه امام خمینی(ره) در مسأله انتظار و تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت است، روی این جهت، در آثار گفتاری و نوشتاری آن بزرگ‌مرد تحقیق و جستجو شده تا بر مبنای اندیشه ایشان، آموزه مهدویت، بخصوص مفهوم انتظار و ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت ارائه گردد. در ابتدا لازم است به ضرورت موضوع بحث اشاره شود:

### ضرورت و اهمیت بحث

آموزه مهدویت در اندیشه امام خمینی(ره) گستره وسیعی دارد و از جنبه‌های مختلف زمینه تحقیق درباره آن وجود دارد. اما آنچه که در این تحقیق به آن پرداخته شده و ضرورت دیده می‌شود، مفهوم انتظار و حکومت در عصر غیبت است. از ضرورت که می‌توان اشاره کرد و به تحقیق اهمیت می‌دهد، این است که اندیشه حضرت امام یک اندیشه پویا، کار آمد. با فهم صحیح و معرفت کامل از اسلام و قرآن است، و توجه به آن، به روحیه‌های نواندیش تحرک و پویایی بخشیده و در جهت تکامل اندیشه‌های اجتماعی و دینی از آموزه مهدویت، منتظران را بیش از پیش به وظایف دینی و اجتماعی‌شان آشنا می‌سازد. از طرف دیگر، جامعه منتظران را از هرگونه اندیشه‌های تحذیرآمیز و برداشت ناصواب نجات می‌دهد. با این وصف، انتظار که در این اندیشه مطرح هست در حقیقت انتظار از به قدرت رساندن اسلام و قرآن است. این نوع انتظار در حقیقت انتظار از به قدرت رساندن اسلام و قرآن است. این نوع انتظار در حقیقت همان نجات‌بخشی از وضع نامطلوب به وضع مطلوب است. لذاست که بررسی اندیشه حضرت امام را در این موضوع اهمیت داده و به آن ضرورت می‌بخشد. امید است که این تحقیق در جهت رساندن پیام اینگونه انتظار برای منتظران، خصوصاً نسل جوان ثمربخش باشد.

### بیان مسأله:

پرسش اصلی که در این مورد به آن اشاره می‌شود، این است که دیدگاه امام خمینی(ره) در موضوع انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) و شکل‌گیری دولت اسلامی در عصر غیبت چگونه است؟ و حضرت امام(ره) با اندیشه‌هایی که از مفهوم انتظار برداشته‌های دیگری داشته و حکومت اسلامی را در عصر غیبت باطل می‌دانند چگونه برخورد نموده است؟

برای دریافت پاسخ اینگونه پرسشها لازم است که مسأله را در متون آثار و گفتارهای ایشان جستجو کرده و بحث را در آن جهت دنبال کنیم:

## امام و مفهوم انتظار

مفهوم انتظار در اندیشه امام خمینی(ره) به صورت زنده و کارآمد تجلی و ظهور پیدا کرده است. این مفهوم که با تفسیرها و برداشتهای گوناگون در میان منتظران حضرت مهدی(عج) مطرح است، ایشان با تفصیل بیشتر در موارد متعدد از آن سخن گفته و همراه با نقد بسیاری از برداشتها و نظریات نیز بوده است.

بدین ترتیب، حضرت امام(ره) با هرگونه برداشت که موجب تخدیر مردم از مفهوم انتظار شود، به شدت مبارزه کرده است، و با نقد و نکوهش کسانی که اندیشه‌ها و برداشتهای نادرست از انتظار حضرت مهدی(عج) ارائه داده و از خود سلب مسئولیت نموده‌اند، آن را نیز خلاف ضرورت اسلام و قرآن دانسته است.

بی‌تردید، برداشت که از مفهوم انتظار در اندیشه امام خمینی(ره) مطرح شده است، با روح و حقیقت اسلام و اندیشه قرآنی سازگارتر است؛ چون انتظار ظهور به عنوان یک آموزه دینی و مذهبی، باید بگونه‌ای طرح و تفسیر شود که روحیه تحرک و پویایی در جهت تکامل معنوی و روش صحیح اجتماعی در میان جامعه نقش داشته باشد، و همچنین مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت سوق داده و حیات دینی و معنوی در کالبد فرد و جامعه ایجاد نماید؛ برای اینکه اسلام دین زندگی و حیات در ابعاد مختلف آن است قرآن کریم در این باره چنین فرموده: «یاایهاالذین آمنوا استجیبواالله و لرسوله اذا دعاکم لما یحیکم»<sup>۱</sup> یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

مسأله انتظار نیز در فرهنگ اسلام، بخصوص مذهب شیعه جزء زنده‌ترین آموزه‌های الهی است که در انسان امید به آینده برتر و حیات متعالی‌تری را نوید می‌دهد. این حقیقت را از تفسیر و برداشت امام خمینی(ره) بخوبی می‌توان دریافت کرد. و می‌توان گفت که در اندیشه ایشان موضوع انتظار و مفهوم صحیح آن همانند بسیاری از حقایق دیگر اسلام زنده، حیات‌بخش و نوید دهنده مطرح شده است.<sup>۲</sup> چنانکه براساس ژرف‌اندیشی ایشان، احیای فرهنگ انتظار، به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله برای تحقق قدرت شوکت مسلمانان در جهان مطرح است.

انتظار بر این مبنا، همان نجات بخشی از وضع نا مطلوب به وضع بهتر و چشم انداز صحیح از دور نمای مکتب مهدویت است. انتظار که در آن امید به قدرت رساندن اسلام باشد، و آنهم قدرت جهانی و عالم گیر، براساس خدمت و تلاش و تهیه مقدمات و زمینه سازی ظهور، نه اکتفا کردن بدعا و به مسجد نشستن ورها کردن تکالیف فردی و اجتماعی، معلوم است که از روح اسلام تراوش کرده و مفهوم صحیح اسلام را از این طریق به منصفه ظهور می رساند.

سیره عملی امام(ره) در همه برهه های تاریخ زندگی ایشان، خصوصاً سیره ای انقلابی ایشان بر آن بوده است که این انقلاب را در راهی قرار دهد که مورد رضای خدا واقع شده و زمینه ساز یک انقلاب و حکومت جهانی حضرت مهدی(ع) بوده و از این طریق ریشه ظلم و فساد را از جامعه بشری ریشه کند، تا به انقلاب جهانی حضرت پایان یابد. از این جهت بود که به منظور آماده ساختن مردم برای مقابله با مشکلات و خطراتی که انقلاب و نظام اسلامی را تهدید می کرد، بر مفهوم صحیح انتظار که خود از انتظار داشتند تاکید می فرمودند و مردم را به پایداری و تلاش بیشتر فرا می خواندند و از آن جمله فرموده است:

«من امیدوارم که انشا الله برسد، روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد. ممکن است در یک برهه، با کمی وسایل فراهم شود و چشم ها روشن بشود به جمال ایشان. چیزی که ما در این وقت، و در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. ، لکن با انتظار تنها نمی شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست، ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی الهی خودمان بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا انشا الله مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه نبوده است... گرچه بسیاری، از این عمل ناراضی باشند، یا بسیاری هم کار شکنی بکنند.»<sup>۳</sup>

انتظار پویا و آنکه نقش آفرینش است و تفکر جامعه و ایده آنها را الهی می کند، انتظاری است که همراه با درک وظیفه و انجام عمل شرعی و اجتماعی و انسانی باشد. انتظار که منهای وظایف اجتماعی و الهی باشد و در دگرگونی افکار اجتماعی اثر نداشته و فقط به این فکر باشد که امام(ع) بیاید کارها را حل کند، اینگونه انتظار نه با فلسفه انتظار سازگار است و نه وضع جامعه از حالت نامطلوب به وضع مطلوب تبدیل می شود. از این رو است که حضرت امام می فرماید: «با انتظار تنها نمی شود» و در کنار آن عمل بوظیفه نیز باید باشد. از تاکیدات امام و موضوع که درباب انتظار همیشه مورد توجه داشته، عمل بوظیفه و ادای تکلیف بوده است. برای

تیین بیشتر و درک مفهوم صحیح دیدگاه امام(ره) از موضوع انتظار، لازم است پیش از طرح و نقد دیدگاه امام بر سایر دیدگاهها و برداشتها نیز مورد بررسی قرار گیرند. از این رو، دیدگاههای متفاوتی که در موضوع انتظار فرج مطرح است از بیان ایشان اشاره نموده، تا بخوبی تفاوت دیدگاه حضرت امام با دیگر دیدگاهها که از انتظار برداشت ناصوابی دارد روشن شوند.

## انتظار و برداشتها

در این مقدمه که به اجمالی از نظر امام اشاره شد، به تفصیل بررسی دیدگاه ایشان اینگونه اشاره می‌شود.

امام(ره) در مقاطع مختلف و به مناسبتهای گوناگون درباره انتظار سخن گفته و در ضمن سخنرانیهای گوناگون برداشتهایی که دیگران از انتظار فرج داشته‌اند نقد کرده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. درباره دیدگاه کسانی که تکلیف مردم در زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت می‌دانند چنین فرموده است:

«برداشتهایی که از انتظار فرج داشته شده است... بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان(عج) را از خدا بخواهند... اینها البته نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این هم نبودند که یک کاری بکنند»<sup>۴</sup>

۲. دیدگاه دوم که مطرح است و تفاوت آن با دیدگاه اول این است که در این دیدگاه عمل بوظیفه مطرح است ولی امر بمعروف و نهی از منکر جزء وظایف شمرده نشده‌اند. همانند نظر اول که افزون بوظایف شرعی امر بمعروف را نیز از نظر دور نداشته است، حضرت امام در این باره می‌فرماید:

«یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند و کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.»<sup>۵</sup>



۳. دیدگاه سوم برداشت از مفهوم انتظار فرج، برداشت کسانی است که استناد به برخی از روایات می‌گویند: حضرت قائم(عج) زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از فساد و تباهی شده باشد، پس ما نباید در زمان غیبت با انحرافها و فسادی که در جامعه وجود دارد مقابله کنیم، بلکه باید جامعه را به حال خود بگذاریم تا خودی بخود زمینه ظهور حضرت فراهم شود. امام(ره) در این باره فرموده است:

«یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند. گناه زیاد بشود تا فرج نزدیک بشود»<sup>۶</sup>

۴. دیدگاه چهارم برداشت از انتظار، آن است که ما نه تنها نباید جلوی مفسد اجتماعی و گناهی که در جامعه وجود دارد بگیریم، بلکه باید به آنها دامن هم بزنیم تا زمینه ظهور حضرت هرچه بیشتر فراهم شود، حضرت امام می‌فرماید:

«یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم و بشود و حضرت تشریف بیاورند. این هم دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده‌لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.»<sup>۷</sup>

برداشت‌هایی که از انتظار در بیان امام(ره) از دیگران اشاره شد، هیچکدام از اینها به مفهوم و معنای انتظار که درباره آن گفته شده است، سازگاری ندارد؛ چون «انتظار» به روشی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتر، تلاش می‌کند. مسأله انتظار حکومت عدل مهدی و قیام مصلح جهانی، هم باید نفی بیگانگی با بیگانگان باشد که از آن ناراحت است و هم خواهان وضع بهتر باشد که در این زمینه تلاش کند و تلاش لازم دارد. هر دو صورت آن سازنده و عامل تحرک و بیداری است. در این مورد سوال اینگونه به ذهن می‌رسد که آیا آن چنان که بعضی پنداشته‌اند و از انتظار فهمیده‌اند، جنبه تخدیری دارند یا سازنده، حرکت آفرین و اصلاح‌گر است یا ویرانگر؟ معلوم است که تسلیم در برابر هرگونه ناهنجاری‌ها و مفسد اجتماعی و اخلاقی، هیچگاه سازنده و اصلاحگر نخواهند بود.

بنابراین، تحقق انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم که هرگونه ضعف، زبونی و ناتوانی را دور سازد، بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نیست، و تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید زندگی در حکومت آن بزرگوار را بدهند و یا انتظار آن را

داشته باشند؛ نه آنهای که با ظلم و ستم همکاری دارند و از عمل صالح دور بوده و یا افراد سست و بی حالی هستند که بگویند، اصلاح جامعه وظیفه ما نیستند حضرت امام(عج) هرگاه آمد، اصلاح می‌کند و در برابر مفساد محیط زندگی و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کم‌ترین تلاش در راه مبارزه و فساد را ندارند و بلکه براین باورند که باید آن را دامن زد.<sup>۸</sup> از این جهت است که امام(ره) این اندیشه‌ها را خلاف اسلام و اندیشه قرآن دانسته و فرموده است که اینگونه برداشتها با اندیشه اسلام سازگاری نداشته و آنها را نقد کرده است.

### امام(ره) و نقد برداشتها

امام(ره) با آن دید وسیع و برداشت صحیحی که از اسلام و آموزهای دینی دارد، تمام اینگونه اندیشه‌ها و برداشتها را ضمن بیانات‌شان نادرست دانسته و در مناسبت‌های مختلف آن‌ها را به نقد کشیده که اینگونه اشاره می‌گردد.

۱. حضرت امام(ره) در نقد و برداشتهای اول و دوم ظاهراً اشاره بر آن دارد که تکلیف ما، تنها نشستن و دعا کردن نیست، بلکه تلاش در اصلاح جامعه و از بین بردن ظلم و جور نیز تکلیف است؛ اما چون اینکا را ما نمی‌توانیم و از دست ما بر نمی‌آید و منتظریم که حضرت بیاید و جهان را از عدالت پر کند همین انتظار نیز دلیل بر این نمی‌شود که ما تکلیف نداریم، بلکه تکلیف در هر حال هست و باید ما به اندازه قدرت و توان خود تلاش کنیم تا مفساد اجتماعی کمتر شده و زمینه ظهور حضرت فراهم آید، تا عدل کامل بر پاگردد. با این وصف که عالم را عدل و داد بگیرد و عالم پر از عدالت بشود، نه تکلیف ساقط می‌شود و نه ما می‌توانیم دست از تکلیفمان برداریم.<sup>۹</sup> چنانکه حضرت امام اشاره به گفتار یکی از علما دارد که او می‌گوید: «من که دلم بیشتر نسوخته به اسلام از حضرت صاحب-سلام الله علیه- خوب، ایشان هم که می‌بینند این را، خود ایشان بیایند، چرا من بکنم» حضرت امام(ره) درباره این چنین برداشت از انتظار بر آن است که این منطق اشخاصی است که می‌خواهند از زیر بار تکلیف در بروند، اسلام اینگونه منطق را نمی‌پذیرند چون اگر مسلمانی اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان نیست، «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»<sup>۱۰</sup> چگونه با اینگونه اختطار و بی‌توجهی به امور مسلمین، داد مسلمانی را زده و خود را جزء منتظران حضرت دانست. منطقی که از انتظار، این را فهمیده که ما دل‌سوزتر از حضرت برای اسلام و مسلمین نمی‌باشیم، اگر امام(عج) برای اسلام و مسلمین دلش می‌سوزد چرا نمی‌آید!! یعنی با این منطق رها کردن از زیر بار تکلیف

است. بنابراین، انتظار صحیح همراه با انجام تکالیف و توجه داشتن به امور مسلمین است؛ اگر انجام تکالیف شرعی منهای توجه به امور مسلمین و جامعه اسلامی باشد، آنگونه است که از حیطة اسلام و مسلمان بودن صحیح و راستین خارج شده و تنها اسماً مسلمان خواهد بود.

۲. برداشتهای دسته‌های (سوم و چهارم) که می‌گفتند (باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید و ما نباید نهی از منکر بکنم...- و دسته دیگر بر آن بودند که نباید جلو معاصی را بگیریم، بلکه به آن دامن بزنیم...) حضرت امام(ره) آنها را مورد انتقاد قرار داده و اینگونه بینشها را خلاف ضرورت اسلام و قرآن می‌داند. اما اینکه چگونه این بینشها برخلاف اسلام و قرآن است، حضرت امام(ره) اشاره بر آن دارد که انتظار وجود ولی عصر(عج) و تشریف‌آوری آن، برای این است که آمده عدالت را گسترش داده، فساد، ظلم، بی‌عدالتی و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی را از بین ببرد؛ اما ما برخلاف قرآن در اسلام و سیره عملی آن حضرت، گناه را توسعه داده و دست از امر بمعروف و نهی از منکر برداریم، چون حضرت می‌یابد ما دیگر تکلیف نداریم، اگر تکلیف هم داشته باشیم، این است که مردم را به فساد و تباهی دعوت کنیم، تا جهان را هرچه زود فساد و بدبختی فراگیرد و امام زمان زودتر ظهور کند! بنابراین، نه اسلام و قرآن این بینش را قبول دارد و نه امام زمان(عج) آن را می‌پسندد؛ فلذا اینگونه برداشتها از انتظار برخلاف اسلام و قرآن است. در راستای این مبنا چنین می‌گوید:

به حسب رأی این جمعیت که بعضیشان باز یگرند و بعضی شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام، هر کسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است، برای این که حضرت دیر می‌آیند! برای این که فساد زیاد بشود، ما باید دعا گوی آمریکا باشیم و دعای گوی شوروی باشیم و دعا گوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها، تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. حضرت بیایند چه کنند؟ بیایند که ظلم و جور را بردارند، و ما دعای می‌کنیم که ظلم و جور باشد!!<sup>۱۲</sup>

بنابراین، فرهنگ و مفهوم انتظار در اندیشه امام خمینی(ره)، مفهومی جز آمادگی، خودسازی و زمینه سازی برای برپایی دولت کریمه حضرت مهدی(عج) ندارد. در حقیقت، انتظار به این معنی، همان مضمون روایاتی است که از معصومین(ع) رسیده و امت اسلامی را در زمان غیبت توصیه به تقوا، اصلاح گری جامعه، امر به معروف و نهی از منکر نموده اند.<sup>۱۳</sup> و هم چنین امت را از فساد، بی‌عدالتی و ناهنجاریهای اجتماعی بر حذر داشته، برای اینکه، اینگونه اعمال موجب محروم شدن از رویت جمال امام رحمت و برکت اند. چنانکه حضرت حجت(عج) نیز در توقیع

شریفی به شیخ مفید(ره) نکاتی را تذکر داده که از آن جمله، فساد اخلاقی، بی مهری به امام و جامعه را باعث طولانی شدن از دیدار آن حضرت شمرده است.<sup>۱۴</sup>

با این وصف، منتظران واقعی کسانی هستند که افزون بر امور خود سازی و مراقبت از خود، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ برای اینکه انتظار به معنای واقعی ایستادن در برابر بی عدالتی هاست، تا از این طریق نارسائها بر طرف شده و زمینه تشکیل حکومت جهانی فراهم گردد؛ چنانکه یکی از اثرات مهم انتظار نیز آن است که فرد منتظر در برابر نابسامانیها و فساد محیط اجتماعی خود را نبازد و عوامل انحراف او را از ارزشهای دینی بیگانه نکنند بنابراین، انتظار ظهور امام زمان(عج)، باید انسان منتظر را در مقابل امواج فساد و آلودگی ها مقاوم ساخته و با معرفت در زمینه احیای گسترش فرهنگ انتظار قدم بردارد. چنانکه اینگونه اندیشه از انتظار، در اندیشه امام خمینی(ره) تبلور داشته و جلوه از آن را بدرقه راه امت اسلامی و شیعیان منتظر نموده است. از طرف دیگر، اندیشه های ناصواب و برداشتهای که خلاف مفهوم انتظار واقعی است که آنها را در معرض نقد قرار داده و آن ها را خلاف انتظار صحیح و ضرورت های دینی می داند. و هم چنین، از آنها به عنوان اندیشه انحرافی، بازیگری و در راستای اندیشه حاکمان جور و اذنبشان یاد کرده است.

### ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

بر مبنای مشخصه موضوع «انتظار و دولت اسلامی در عصر غیبت» بخش دیگری این تحقیق، دولت اسلامی است. وجود دولت در زندگی بشر، یک نیاز فطری و طبیعی است که بشر از آغاز پیدایش به آن توجه داشته است؛ ضرورت دولت و تشکیل حکومت، آنگونه هم نیست که بشر امروزی به اهمیت آن پی برده و ضرورت آنرا درک کرده باشند؛ بلکه در هر زمان جزء مقتضات زندگی بشر بوده است، چنانکه برخی به آن اینگونه اشاره داشته اند:

«دولت از مقتضیات طبع بشر است، زیرا انسان دارای سرشت مدنی است ناگزیر است که به صورت اجتماعی زندگی کند و کسی که وجود دولت را نفی می کند، یا انسان وحشی است، یا موجود برتر از انسان است که نیازی به دولت ندارد.»<sup>۱۵</sup> و همچنین: «تحصیل حیات با فضیلت برای افراد بشر، جز به وجود دولت ممکن نیست، زیرا طبیعت انسان به حیات سیاسی و زندگی اجتماعی تمایل است. بنا بر این وجود دولت از امور طبیعی است که از آن بی نیازی نیست»<sup>۱۶</sup>

امام خمینی(ره) یکی دیگری از این اندیشمندان جهان، و اندیشمند معاصر است که درباره دولت و تشکیل حکومت، خصوصاً حکومت اسلامی سخن گفته و ابعاد همه جانبه ای آنرا تبیین نموده و آن را یک ضرورت جامعه بشری می‌داند. و هم چنین بر آن است که ضرورت تشکیل حکومت در همه دورانها یک امر ضروری بوده و از لازمه زندگی اجتماعی بشری می باشد. اینگونه هم نیست که محدود به زمان خاصی بوده و بعضی از دورانها نیاز به آن نباشد دراین باره و به خلاصه از برخی از فراهای دیدگاه ایشان چنین اشاره می شود:

«تشکیل حکومت و برقراری «ولی امر» موقتی و محدود به زمانی نیستند؟ و در نتیجه لزوم تشکیل حکومت همیشگی است مثلاً تعدی مردم از حدود اسلام و تجاوز آنان به حقوق دیگران... همیشه است. نمی توان گفت این فقط در زمان حضرت امیرالمومنین(ع) بوده، و مردم بعدا همه ملائکه می شوند... بنابراین، امروز و همیشه وجود «ولی امر» یعنی حاکمی که قیم و برپا نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد... مگر خلافت امیر المومنین(ع) به خاطر همین معانی نبود؟ آن علل و ضرورتهای که آن حضرت را امام کرده است، الآن هم هست، با این تفاوت که شخص معین نیست؛ بلکه موضوع (حکومت) را عنوانی قرار داده اند تا همیشه محفوظ باشد.

پس، اگر احکام اسلام باقی بماند، واز تجاوز جلوگیری شود، و اگر باید نظم اسلام برقرار شود و اگر باید جلوی بدعتگذاری گرفته شود، و اگر باید نفوذ بیگانگان در کشور های اسلامی از بین برود، حکومت لازم است. این کار بدون حکومت تشکیلات دولت انجام نمی شود... البته حکومت صالح لازم است<sup>۱۷</sup>

نکته اساسی در این بیان امام(ره) آن است که واقعاً اگر اسلام زنده بماند و احکام آن پایدار باشد، ناگزیر اسلام باید حکومت داشته باشید؛ در غیر آن، نه نظمی برقرار می شود و نه جلو بدعتها گرفته شده و نه از نفوذ بیگانگان و تعدی آنان اسلام و مسلمان در امان می ماند. برای اینکه از همه اینگونه موارد در امان بمانند، حکومت اسلامی تشکیل داده تا در سایه آن به آسایش و آرامش زندگی کرده و از زندگی صحیح بهره مند گردند. چنانکه بر مبنای اندیشه امام(ره) که جلوه از اندیشه اسلام راستین است، حکومت و تشکیل دولت را از لازمه زندگی صحیح و انسانی دانسته و آن را وسیله نجات تعدی و تجاوز می داند که جلوی آن ها را می گیرند. چنانکه که فرموده است:

«... با تحقق به آن (حکومت)، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است»<sup>۱۸</sup> و<sup>۱۹</sup> بنابراین، دولت و تشکیل حکومت جزوی لازمه زندگی صحیح و جلوگیری از فساد و تجاوزگری است.

با توجه به اینکه، دیدگاه امام راحل (ره) درباره تشکیل حکومت اسلامی دامنه وسیعی دارد؛ اما در این تحقیق فقط به نکاتی درباره تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت بررسی می‌گردد. فلذا این پرسش مطرح است که آیا در زمان غیبت امام معصوم، می‌شود حکومت و دولت اسلامی تشکیل داد؟ پاسخ این پرسش را در بیان گفتاری و نوشتاری امام خمینی (ره) جستجو کرده و بررسی آن را اینگونه پی‌می‌گیریم.

امام (ره) پاسخ این پرسش را در مقاطع مختلف از فرصتها و مناسبتها و تألیفات‌شان داده است. ایشان بنا به ضرورت عقل و دستور شرع، حکومت اسلامی را در زمان غیبت ولی عصر (عج)، یک امر ضروری می‌داند و بر آن است که به حکم عقل، تشکیلات حکومتی لازم است، تا از این طریق بتوانیم از هجوم بیگانگان جلوگیری کرده و از نوامیس خود دفاع کنیم و بر مبنای «اعدلّ لهم ما استطعتم» که اندیشه اصیل اسلام و شرع است، آمادگی برای دفاع از وظایف هر فرد مسلمان است که آن نیز بدون ضوابط تشکیلاتی بوجود نخواهد آمد. از طرف دیگر، در دوران غیبت امام (عج) نیز باید احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا بکند و هرج و مرج هیچگاه روا نیست و تشکیل حکومت لازم است. و براساس تشکیل حکومت است که از تعدیات افراد نسبت به یکدیگر جلوگیری نموده و دفاع لازم در برابر هر تجاوز پیدا می‌کند.<sup>۲۰</sup> الگوی این ضرورت که از عقل و شرع بدست می‌آید، همان سیره عملی رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) است که در زمان حیات‌شان تشکیلات حکومتی و اجرائی داشته‌اند. فلذا، در زمان ما نیز این ضرورت و حفظ آن سیره محفوظ است و ما نیز می‌توانیم در زمان غیبت بر آن مبنا حکومت تشکیل داده و دستگاه اجرائی داشته باشیم.<sup>۲۱</sup>

و همچنین ایشان بر این باورند که اگر پس از غیبت صغرا و تا ظهور حضرت که معلوم نیست که چقدر فاصله زمانی دیگر باید بگذرد، تشکیلاتی وجود نداشته باشد و احکام اسلام اجرا نگردد و هرج و مرج عالم را فراگیرد، این اعتقاد، اعتقاد به نظریه‌ای منسوخ شدن اسلام و تعطیل کردند حدود، قصاص و دیات و.. می‌باشد، این عقیده همان منکر شدن ضرورت اجرای احکام اسلام است. چنانکه فرموده است:

«برای روشن شدن این مطلب این سوال را مطرح می‌کنیم: از غیبت صغرا تاکنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صدهزار سال دیگر بگذرد مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟ قوانین که پیغمبر اسلام در راه تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت‌فرسا کشید، فقط برای مدت محدود بود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرده به دویست سال؟ و پس از غیبت صغرا اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی، اظهار آنها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است»<sup>۲۲</sup>

در یک بیان دیگر، اعتقاد به حکومت و ضرورت تشکیل آن را جزوی اعتقاد به ولایت می‌داند و برآن است که اگر کسی اعتقاد به ولایت داشته باشد، از لازمه آن، اعتقاد به تشکیل حکومت است؛ چون اعتقاد به این ضرورت از ولایت است، بدنبال آن، این ضرورت را نیز در پی دارد که مبارزه و کوشش برای آن نیز را لوازم اعتقاد به ولایت است... وقتی که ما به ولایت معتقدیم، و اعتقاد به آن داریم که رسول اکرم(ص) تعیین خلیفه کرده... همین اعتقاد، ما را به ضرورت تشکیل حکومت معتقد می‌سازد و... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی را جزء اعتقاد ولائی ما قرار می‌دهد.»<sup>۲۳</sup>

بنابراین، بر مبنای اندیشه امام خمینی(ره)، دولت و تشکیل حکومت در عصر غیبت لازم است برای اینکه، اگر ما معتقد به استمرار شریعت و احکام الهی باشیم و دین اسلام را، دین جاویدانه بدانیم، ناگزیر از تشکیل حکومت هستیم؛ چون بر مبنای تشکیل حکومت است که دین استمرار پیدا کرده و نابسامانیهای اجتماعی و اخلاقی بوسیله اجرای احکام دین و شریعت سامان پیدا کرده و یک انسان مسلمان متشرع می‌گردد؛ اگر دین بدون تشکیلات و قوای مجریه رها گردد، طبیعی است که دیگر از احکام اسلامی خبری نخواهد بود، عقیده‌انهایی تحقق پیدا می‌کنند که دین اسلام را منسوخ دانسته، جامعیت و جاویدانگی آن را انکار می‌کنند. گذشته از آن، حفظ کیان اسلامی و نوامیس بشری در سایه همین دولت و حکومت اسلامی است که محفوظ مانده و طمع بیگانگان به یأس تبدیل می‌شوند. و همچنین، ولایت که از شئون اعتقادی ماست، او نیز این ضرورت را مبرهن کرده و سیره رسول اکرم(ص) را در بعد حکومت و تشکیلات اجرای در

اذهان تداعی می‌کند؛ چون آن حضرت تعیین خلیفه کرده ولی امر را در جامعه معرفی نموده است، لذا حکومت اسلامی نیز در هر زمانی جهت حفظ و انضباط جامعه لازم و ضروری خواهد بود.

## دلیل حکومت در عصر غیبت

چنانکه اشاره شد که حکومت در عصر غیبت ضرورت دارد. تعطیلی آن مساوی با تعطیلی اسلام و احکام اسلامی است. با این وصف، سوالی که در اینجا مطرح است، اینکه: آیا دلیلی بر جواز تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیب وجود دارد و می‌توان آن را بر مبنای اندیشه اسلامی، صحیح دانست؟

پاسخ این پرسش در آثار و اندیشه امام خمینی (ره) جستجو شده و ایشان بر جواز و دلیل تشکیل حکومت در زمان غیبت ولی عصر (عج)، به سه دلیل اشاره نموده است.

### ۱. دلیل امامت

حضرت امام، در این مورد بر آن است که حکمت تشکیل حکومت در عصر غیبت، جدا از حکمت وجود امام نمی‌باشد. یعنی هرگاهی ما لزوم امام و امامت را ثابت کنیم و آن را یک امر ضروری در اسلام بدانیم، خود همین ضرورت، دلیل حکومت در عصر غیبت است. برای اینکه خردمندان نخواهد بود که به خداوند حکیم این نسبت را بدهیم که بعد از ختم رسالت، امت اسلامی را بحال خودش رها کرده و به نابسامانیهای آن راضی باشد. اگر هرج و مرج در جامعه انسانی و اسلامی ناپسند است، بدیهی است که وجود امام ضرورت دارد، هرگاه این ضرورت یک امر خردمندانه تلقی گردد و به خوبی و محسنات آن اذعان پیدا شود، به ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت نیز، باور خواهد کرد. چنانکه در این باره فرموده است:

«همان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، عیناً، لزوم حکومت در دوران غیبت ولی عصر (عج) را در بردارد. بویژه، پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید این دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد؛ علم آن نزد خداوند است و از طولانی شدن آن به خدای بزرگ پناه می‌بریم.»

و هم چنین، حضرت امام (ره) تاکید بر این دارد که لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان از بدیهی‌ترین امور است، بی‌اینکه بین زمان حضور و غیبت امام، این کشور و آن کشور فرقی باشد»<sup>۲۴</sup>



## ۲. ضرورت دفاع

دلیل دیگر که حضرت امام بر لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت اشاره دارد، استدلال بر ضرورت دفاع در همه زمانها است، زیرا دفاع از اموری است که لازم نیست در هنگام دفاع از مال و ناموس، کشور و مرزهای اسلامی حتماً باید امام(ع) وجود داشته باشد. برای اینکه هر زمانی که انسان احساس حمله از طرف دشمن بکند و یا کشور اسلامی بترسد که بر شهرهای آن تسلط پیدا می‌کند یا به حرض و آبروی مسلمانی که در خطر است و یا به مال آن تعدی صورت می‌گیرد، در این حال بر همه واجب است که از خود و هم‌نوعانشان دفاع کند چنانکه در این باره فرموده:

«وقد یجیب المحاربه علی وجه الدفع من وجود الامام و لا منصوبه... یعنی گاهی واجب شود جنگ به طور دفاع بدون وجود امام و منصوب از جانب او مثل آنکه انسان بین گروهی باشد که دشمنی بر آن حمله کند و از آن دشمن بر کشور اسلامی بترسد، یا اینکه بر شهرهای اسلامی استیلا پیدا کند، یا بخواهد مسلمانان را اسیر کند، یا مال آنها را بگیرد، در تمام این صورت‌ها واجب است که مردم از کشور و جان و مال خود دفاع کنند و با اجانب بجنگند...»<sup>۲۵</sup>

## ۳. سیره عملی ائمه اطهار(ع)

سومین دلیلی که بر مبنای اندیشه امام(ره) بر لزوم حفظ حکومت اشاره دارد، مویداتی از قول و نقل ائمه اطهار(ع) است. در این مورد، نظر ایشان به سیره ائمه اطهار(ع) در دوران حاکمان جور بنی امیه و عباسی است. در این باره به ملازمه اشاره می‌کند که اگر کسی نتواند حکومت جور و یا حاکم ظالم را از بین ببرد، این هیچ ربطی به آن ندارد که حکومت اسلامی هم تشکیل ندهد. و به دنبال یک حکومت عدل هم نباشد. اگر کسی یک اطلاع جزئی به اخبار ما (منابع) داشته باشد می‌بیند که ائمه(ع) همیشه با حاکمان جور در ستیز بودند و آنها را ظالم می‌دانستند، ولی در راه حفظ کشور اسلامی از هیچگونه همکاری و راهنمایی دریغ نمی‌کردند و شیعیان هم در بسیاری از جنگها و فتوحات پیشقدم بودند. از آن نمونه، حکومت جور و غاصبانه بنی امیه که در اسلام بدترین و ظالمانه ترین سلطنتها بوده دشمنی آنها را به آل پیامبر و فرزندان علی بن ابی طالب(ع) را همه می‌دانند، با این حال حضرت علی بن الحسین(ع) نسبت به حفظ ثغور و مرزهای اسلامی اینگونه نظر داشته و چنین فرموده است:

«بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرزهای مسلمانان را به غلبه و تسلط خود استوار ساز، و نگهدارندگان آن مرزها را به نیروی خویش توانایی ده، و بخشهای ایشان را از توان‌گریت فراوان گردان. بار خدایا... عده و شمارش (جماعت و گروه) ایشان را بسیار فرما،

سلاحهای آنان را تیز و برآ نما، و حدود و اطراف ایشان را نگهداری کن، و دوروبرشان را محکم گردان و گروهشان را پیوند و آشنایی ده، و کارشان را شایسته فرما، و آذوقه های شان را پی در پی برسان، و سختیهایشان را به تنهای کار گزارکن، و ایشان را به یاری کردن و کمک و به شکیبایی همراهی و در فکر و تربیت دقت نظر عطا فرما...<sup>۲۶</sup> در آن برای لشکریان دستورهای است که شرح آن یک کتابچه می خواهد.<sup>۲۷</sup>

بنابراین، دلایلی بر لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت، دلایل لزوم امامت، ضرورت دفاع از دین، ناموس و حفظ مرزهای کشور اسلامی و سیره ائمه اطهار(ع) در قول و نقل اند که در اندیشه امام خمینی(ره) تبلور دارد. پرتوی از این اندیشه و جلوه عملی آن، حکومت جمهوری اسلامی است که علی‌رغم مخالفتها و کارشکنی و سنگ‌اندازیهای فراوان در این راه، تحقق عملی بخود گرفت و امید است که زمینه ساز حکومت عدل جهانی حضرت مهدی(عج) باشد. انشاءالله.

### نظریه بطلان حکومت اسلامی در عصر غیبت

پس از اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و دلایل آن از دیدگاه امام خمینی(ره)، برخی از نظریه‌ها بر این باورند که تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام زمان(عج) باطل است و معارض با روایاتی می‌باشد که آن را منع کرده است. این دسته بر این عقیده‌اند که باید منتظر بمانیم تا خود حضرت آمده و تشکیل حکومت بدهند؛ و اقدام به تشکیل هر حکومت اسلامی در دوران غیبت، به معنای قایل شدن اتمام رسالت برای امام زمان(عج) است. با این وصف، برداشتن هر پرچمی به نام حکومت اسلامی، پرچم گمراهی و دجالی است؛ و اگر کسی اقدام به این عمل هم بکند، محکوم به شکست می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

در این مورد به چند روایتی استناد کرده است: ۱- دین امروز [به] ما می‌گوید هر دولتی که پیش از قیام قائم برپا شود، باطل است «کلّ رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوب یعبد من دون الله» ۲- «قتال به همراهی غیر امام مانند خوردن گوشت خوک و خون است.»<sup>۲۹</sup> و هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است.<sup>۳۰</sup>

### نقد امام(ره) در نظریه بطلان حکومت

تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای اینگونه اندیشه‌ها، در زمان غیبت امام(عج) باطل شمرده شده و آن را معارض با برخی از روایات می‌دانند که به عقیده آنها، حکومت در عصر غیبت را منع کرده و هدایت‌گران آن را طاغوت شمرده‌اند و در عین حال آن را محکوم به شکست نیز می‌دانند. این

اندیشه بر مبنای سیره‌ی گفتاری و نوشتاری امام خمینی(ره) نقد شده و جهت بررسی و تحقیق در اندیشه حضرت امام اینگونه اشاره می‌گردد.

امام(ره) بطور کلی و بر مبنای اصل حکومت اسلامی بر این نکته تأکید دارد که ما معتقدیم پیامبر باید خلیفه تعیین کند. اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است. مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است. قانون‌گذاری به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریح قانون بایستی قوه مجریه‌ای به وجود آید و ثمره قوانین را عاید مردم سازد. احکام اسلام تا ابد باقی و لازم‌الاجراست و تنها برای زمان رسول اکرم(ص) نیامده تا پس از آن متروک شود. هرکه اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلامی شده و جامعیت احکام و جاویدانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است، مثلاً خمس یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد و برای حوائج مردم و انجام خدمات عمومی اعم از بهداشت، فرهنگی، دفاعی و عمرانی قرار داده شده است. آیا این بودجه فراوان را به دریا بریزیم؟ یا زیر خاک کنیم تا حضرت بیاید؟ هر نظام سیاسی غیر اسلامی نظام شرک‌آمیز است؛ چون حاکمش طاغوت است و ما مؤظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم و از بین بردن و یا دور کردن حاکمان جور و طاغوت بدون یک تشکیلات میسر نخواهد بود. روی این اساس حکومت و تشکیلات اسلامی باید باشد.<sup>۳۱</sup>

اندیشه حضرت امام(ره) بر آن است که اصل حکومت اسلامی تعطیل نباید گردد و در زمان غیبت حکومت اسلامی نداشته باشیم؛ زیرا نبود حکومت اسلامی، مساوی با نابودی بسیار از احکام و قوانین اسلام است؛ برای اینکه، اگر قوانین و احکام اسلامی قوه‌ای اجرائی نداشته باشد، هیچگاه سعادت مردم تأمین نخواهد شد؛ بلکه زمانی مردم در سایه قانون سعادت‌مند می‌شود که قانون وسیله رفع گرفتاری و جلوگیری از فساد و امثال آن باشد. در نهایت، از همه چیز اگر صرف نظر بکنیم، تنها برکت که حکومت اسلامی دارد مبارزه در برابر عملکردهای حاکمانی است که همه شرک‌آمیزند، ما مؤظفیم که بوسیله حکومت آثار شرک را از جامعه مسلمانان دور کنیم.

اما امام(ره) در خصوص نقد روایات بر مبنای اندیشه دیگران و در توضیح روایت اول می‌فرماید: «[اولاً] این احادیث مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه که هر خردمند لازم می‌داند نیست؛ [در ثانی] بلکه در آن دو احتمال است:

یکی آنکه، راجع به خبرهای ظهور ولی عصر و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علمهایی که به عنوان «امامت» قبل از قیام قایم برپا شود، باطل است چنانچه در ضمن همین روایات علامتهای ظهور هم ذکر شده است.

و احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشگویی از حکومتهایی باشد که تا زمان ظهور در جهان تشکیل می‌شود که هیچ‌کدام به وظیفه خود عمل نمی‌کنند. بعد از حکومت علی بن ابی طالب (ع) کسی سراغ دارید که حکومت عادلانه باشد و سلطانش طاغی و برخلاف حق نباشد؟ اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومتها جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آنها را اصلاح کند، چه ربطی دارد به اینکه حکومت عادلانه نباید داشته باشد؟<sup>۳۲</sup>

در مورد دیگر اشاره دارد که آنها خیال کردند که هر حکومتی قبل از حکومت مهدی باشد، باطل و طاغوت است در صورتی که آن روایات مربوط به علم و حکومتی است که به عنوان مهدویت بلند کند. حال ما فرض کنیم که اینگونه باشد! آیا معنایش این نیست که در این مورد دیگر تکلیف نداریم و دست بتشکیل حکومت نباید بزنیم؛ در حالی که این اندیشه و برداشت، خلاف ضرورت اسلام و قرآن است؛ چون قرآن و اسلام هیچگاه نگفته است که شما دست روی دست بگذارید هر که معصیت بکند و فساد نماید آزاد است. اگر امام زمان (عج) بیاید همین کاری که ما می‌کنیم و حکومت تشکیل می‌دهیم و با فساد مبارزه می‌نماییم، آن را توسعه داده و گسترش می‌دهد. در حقیقت، مسأله این است که دست سیاست در کارست و بنا برآن است که هرج و مرج باشد تا سیاست‌بازان خوب بتوانند به مطامع خود برسند. چنانکه به ملت‌های مسلمان تزریق کردند که سیاست کار شما نیست و سیاست را به امپراطورها واگذارید، با اینگونه تبلیغات مردم را غافل کرده به آنها وانمود می‌کردند که حکومت و برداشتن علم می‌قبل از امام زمان (عج) خلاف انتظار است. اما بر خلاف اینگونه تبلیغات سوء، مبنای اسلام بر آن است که اگر دویست روایت از این قبیل روایات داشته باشید، هیچگونه اثری عملی نداشته و آنها را به دیوار بزنید، برای اینکه خلاف اسلام و قرآن است؛ چون اسلام و قرآن می‌گوید نهی از منکر بکنید، اینها می‌گویند نهی از منکر خلاف انتظار فرج است.<sup>۳۳</sup>

بنابراین، نظر حضرت امام بر آن است که مستمسک قرار دادن روایت برای اثبات مقصد مهم نیست؛ بلکه در مرحله اول فهم روایت و فهمیدن صحیح از آن شرط لازم برای استناد کردن به مطلوب است. درحالی که از این روایت اینگونه استفاده نمی‌شود که در زمان غیبت امام

زمان(عج) تشکیل حکومت اسلامی جائز نیست و کسی حق ندارد در این باره اقدام کند و پرچمی بردارد، بلکه غرض از این که فرموده «اگر کسی پرچمی در زمان غیبت بردارد و او پرچم طاغوت است» منظور از علم پرچمی است که بنام مهدی و مهدویت بردارند و مدعی امامت باشند اما اگر کسی در راستای اندیشه امام(ع) و در جهت اصلاح جامعه و بر مبنای اصول امر بمعروف و نهی از منکر تشکیل حکومت اسلامی بدهد، هیچگاه خلاف رضای امام زمان(عج) و یا دیگر ائمه(ع) نخواهد بود. گذشته از اینکه اینها حمل روایات را درجایی نموده‌اند که خلاف سنت و دستور قرآن کریم است؛ چون قرآن کریم دستور اکید در امر به معروف و نهی از منکر دارد، ولی اینها از روایت اینگونه استفاده می‌کنند که امر معروف باید تعطیل گردد. و باید منتظر بمانیم تا حضرت خودش بیاید جامعه را اصلاح نموده و امر به معروف نمایند. از اینجا است که امام(ره) می‌فرماید اگر دویست تا از اینگونه روایات هم داشته باشیم، باید آنها را به دیوار زد، چون خلاف قرآن و اسلام است.

نکته اساسی که حضرت امام(ره) در این مورد اشاره فرموده، این است که اینها نمی‌فهمند چی می‌گویند؛ بلکه اینها تزریق شده و سیاست‌بازان اینها را فریب داده‌اند؛ چنانکه در فراز دیگری از بیانش می‌گوید: یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاستی این کار را نکرده باشد... این باید خیلی آدم نفهمی باشد. اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده...<sup>۳۴</sup> بنابر این، اینگونه روایات هیچگاه، نه معارض با تشکیل حکومت است و نه مانع از آن، چون تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت در راستای تحقق اهداف امام زمان(عج) و زمینه‌ساز حکومت جهانی آن حضرت خواهد بود، و همچنین حکومت اسلامی در سایه تدبیر و اندیشه صحیح آن، زنده نگهداشتن احکام، حدود و قوانین جاویدانه اسلام است که با اتصال و پیوند حکومت جهانی مهدی موعود(عج) به جهان و انسانها رونقی تازه می‌بخشد، فلذا، نظریه بطلان حکومت، برخلاف اندیشه اسلام و اهل خرد خواهد بود.

اما امام(ره) در نقد روایت دیگری که «قتال به همراهی غیر امام، مانند خوردن گوشت خوک.. است» می‌فرماید: «[اینها] نسنجیده و کتابهای فقها را ندیده این [چنین] بیهوده می‌گوید. درحالی که در اسلام دوگونه جنگ است که یکی را «جهاد» می‌گویند و آن کشورگیری است. و دیگری جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است. «جهاد» که عبارت از کشورگیری و فتح ممالک است. با وجود امام یا به امر امام تشکیل شود... [در این صوت] باید تشکیل حکومت

اسلامی در تحت نظر امام عادل یا به امر او بشود تا به این امر اقدام شود و گرنه، چون کشورگیری دیگر جهانیان شود که از حکم خرد بیرون، از بیدادگری‌ها و ستمکاریها به شمار می‌رود...

اما قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام «دفاع» اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ‌وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد...<sup>۳۵</sup>

ایشان در ادامه این مطالب خطاب به آنها کرده می‌فرماید: ای بیخردان، اسلامی که می‌گوید: «وقاتلو المشرکین کافه کما یقاتلونکم»<sup>۳۶</sup> (همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان با شما می‌جنگد) می‌گوید بشینید تا طعمه دیگران شوید؛ می‌گوید دست روی هم بگذارید تا دیگران بر شما چیره شوند!! اسلامی که می‌گوید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم»<sup>۳۷</sup> (در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید) می‌گوید خود را تسلیم دیگران کنید!!<sup>۳۸</sup>

در توضیح این حدیث، امام(ره) بر آن است که صاحبان اینگونه نظریه‌ها گذشته از آنکه از دیدگاه و نظرات و کلمات فقها و فقه اسلامی ناآگاهند و از آن بی‌خبرند که اینگونه ماجراجویی می‌کنند، از اصول کلی اسلام درباره دفاع و حفظ حدود و ثغور کشور از تجاوز بیگانگان نیز بی‌خبرند؛ چون اگر کسی از اصول و قواعد اسلامی آگاهی داشتی، هیچگاه نمی‌گفتند که باید بنشینیم تا طعمه دیگران شویم و یا دست روی دست گذاریم تا دیگران بر ما چیره شوند!

در نتیجه، انتظار فرج در اندیشه امام خمینی(ره)، همانند بسیاری از حقایق دیگر اسلام زنده و نویدبخش مطرح است؛ چنانکه ایشان احیای فرهنگ انتظار را به عنوان یکی از زنده‌ترین ارکان و ارزشهای اسلامی دانسته و احیای این فرهنگ و اندیشه را وسیله‌ای برای تحقق قدرت و عظمت اسلام و مسلمانان می‌داند، و اینگونه اشاره نموده است که انتظار فرج انتظار قدرت اسلامی است و ما کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و هم چنین بر همین مبنا و برداشتهایی از انتظار، برداشتهایی نادرست از آن را مورد نقد قرار داده و در واقع مخالف اندیشه اصیل انتظار و منتظران دانسته است.

و همچنین، در بعد تشکیل دولت و حکومت اسلامی، بر مبنای اندیشه حضرت امام(ره) آن را یک ضرورت عقلی و شرعی دانسته است و بر مبنای دلیل عقل و شرع نیز آن را در زمان غیبت امام زمان(عج) یک امر ضروری مطرح کرده و حفظ کرامت انسانی، سعادت مردم و جوامع بشری، حفظ از کیان و ناموس انسانی و اسلامی را در سایه آن می‌بیند. اما در مقابل، اندیشه‌هایی که حکومت اسلامی را در عصر غیبت باطل دانسته‌اند و روایاتی را معارض به آن مطرح کرده‌اند،

اینگونه اندیشه و استدلالها را حمل به ناهمبمی و ناآگاهی از متون اسلامی در اصول آن می‌داند، و همچنین، اینگونه مبنا و اندیشه را وارداتی از اندیشه اهل سیاست‌های دروغین و اندیشه امرپراطورهای قدرت طلب معرفی کرده است. و در جهت حسن ختام به چند نکته از فرازهای کلام آن بزرگ‌مرد الهی این چنین اشاره می‌شود:

انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فدا) است...<sup>۳۹</sup> امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله (عج) منتهی شود.<sup>۴۰</sup> ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد در مقابل ظالم بایستد... نگذارد که ظلم اینقدر زیاد بشود... آقا!! اینطور نیست که حالا ما منتظر ظهور امام زمان (عج) هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه‌هایمان تسبیح در دست بگیریم و بگوییم «عجل علی فرجه» عجل با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او...<sup>۴۱</sup> امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام، قرآن تحت لوای حضرت صاحب (سلام الله علیه) برای ما تعیین فرموده‌اند، عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی... خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: «من یک موعظه دارم به شما «قل انما اعظکم بواحد»<sup>۴۲</sup> .. و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام الله باشد، قیام الله کنید، البته آن حضرت قیام الله می‌فرمایند. لکن شیعه‌های بزرگوار آن هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام الله کنند.<sup>۴۳</sup>

والسلام

## منابع و پی‌نوشتها:

۱. انفال/۳۳.

۲. فصلنامه حضور، شماره ۵۱، ص ۱۵۰، همان.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۴.

۷. همان، ص ۱۴.

- <sup>۸</sup> . علیا نسب (سید ضیال‌الدین) علوی نیک(سلمان) جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۶۲، انتشارات زلال کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۵(بی جا)
- <sup>۹</sup> . ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۷، شین.
- <sup>۱۰</sup> . حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹، موسسه آل بیت قم.
- <sup>۱۱</sup> . صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۳۹-۳۴۰، پیشین .
- <sup>۱۲</sup> . ر.ک: همان، ج ۲۱، ص ۱۷-۱۴.
- <sup>۱۳</sup> . نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، انتشارات کتابخانه صدوق، چاپ اول تهران(بی تا) و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
- <sup>۱۴</sup> . طبرسی، احتجاج، ج ۲، ۴۹۹، ۲، اعلمی، بیروت.
- <sup>۱۵</sup> . ارسطو، سیاست، ترجمه احمد لطیفی ص ۹۶، به نقل از مبانی حکومت اسلامی، سبحانی ص ۱۳۹، ترجمه و نگارش داود الهامی، انتشارات توحید، قم ۱۳۷۰.
- <sup>۱۶</sup> . جمهوری، اثر افلاطون، نقل از همان، ص ۱۴۰.
- <sup>۱۷</sup> . ر.ک: امام خمینی(ره) ولایت فقیه، ص ۲۳-۳۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- <sup>۱۸</sup> . نور / ۵۵.
- <sup>۱۹</sup> . امام خمینی(ره) وصیت نامه سیاسی الهی .
- <sup>۲۰</sup> . همان .
- <sup>۲۱</sup> . همان، ص ۱۹-۲۰.
- <sup>۲۲</sup> . همان .
- <sup>۲۳</sup> . همان، ص ۱۵.
- <sup>۲۴</sup> . ر.ک: امام خمینی(ره)، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۲-۴۶۱، چاپ مهر، قم(بی تا)
- <sup>۲۵</sup> . همو، کشف الاسرار، ص ۳۳۱-۳۲۷، انتشارات مصطفوی، قم(بی تا).
- <sup>۲۶</sup> . صحیفه سجادیه، دعای ۲۷.
- <sup>۲۷</sup> . ر.ک: کشف الاسرار، ص ۲۲۶-۲۲۵، پیشین.
- <sup>۲۸</sup> . جریان شناسی انجمن حجتیه، ص ۸۵، پیشین.
- <sup>۲۹</sup> . به نقل از: کشف الاسرار، ص ۲۲۵.
- <sup>۳۰</sup> . ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۷، پیشین.



- 
- ۳۱ . ر.ک: ولایت فقیه، ص ۲۶-۱۴، پیشین.
- ۳۲ . کشف الاسرار، صص ۲۲۶-۲۲۵.
- ۳۳ . صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۷-۱۴.
- ۳۴ . همان.
- ۳۵ . کشف الاسرار، صص ۳۳۱-۲۲۷.
- ۳۶ . توبه/۳۶.
- ۳۷ . بقره/۱۹۰.
- ۳۸ . کشف الاسرار، پیشین.
- ۳۹ . صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.
- ۴۰ . همان، ج ۱۵، ص ۶۲.
- ۴۱ . همان، ج ۱۸، ص ۲۶۹.
- ۴۲ . سباء/۴۶.
- ۴۳ . صحیفه امام، ج ۸، ص ۸.